



مکتب تبریز و میانی تجددخواهی
سید جواد طباطبایی
ستوده
۱۳۸۵

کتاب تاریخ تجددخواهی

سال گذشته در همین ماه بخشی از آخرین کتاب

بحث‌انگیز سید جواد طباطبایی در بخش کتاب
خردنامه به چاپ رسیده پس از آن نقدی بر این کتاب
به قلم علی اصغر حقدار باز هم در خردنامه چاپ شد
و حالا این دومین نقدی است که برای کتاب مکتب
تبریز و میانی تجددخواهی منتشر می‌شود، و این تنها
نشان از اهمیت این کتاب دارد که با گذشت یک سال
از انتشار آن هنوز هم قابلیت بحث و بررسی بیشتر
دارد.

لطف الله آجودانی

کتاب «مکتب تبریز و میانی تجددخواهی» نوشته دکتر
سید جواد طباطبایی، بخش نخست جلد دوم تاملی درباره
ایران است که به نوعی به طباطبایی به طور عمده اندیشه
سیاسی دوران جدید ایران تا فراهم آمدن جنبش مشروطه
خواهی را مورد بررسی قرار می‌دهد. (ص ۳۳). این کتاب
علاوه بر درآمد نویسنده درباره «نشازات ناهنگام در تاریخ
نویسی ایران»، در قالب هشت فصل تدوین و ارائه شده است.
«سنت قدمایی و نظریه سنت»، «سلطه کهنه و طرح نو در
اندیشه سیاسی»، «آگاهی‌های نو در سفرنامه‌های ایران»،
«تجدد مطلق در مبانی نظری تاریخ ایران»، «تجرب‌های نو
در زبان فارسی»، «نخستین آگاهی‌ها از ضرورت اصلاحات»،
«خطرات حاج سیاح و آن جنبش معنوی» و «جدال شیخ یا
شوخ بر بیان سنت و تجدد»، فصول هشتم تا دهم کتاب را در
بر گرفته است.

ادعای طباطبایی در سراسر این کتاب درباره این که «اگر
از پژوهش‌های فریدون آدمیت بگذریم، هنوز درباره اندیشه
سیاسی این دوره (عصر قاجاریه) با سلوک و روش‌های
جدید، تحقیق مهمی صورت نگرفته است» - صرف نظر
از میزان درست‌ی و نادرستی این ادعا - این امید و توقع
و معقول و منطقی را بر می‌انگیزاند که باید در این کتاب
یا اسلوب و روش‌های جدید تحقیق و دستاوردهای مهم و
جدید تحقیقی روبرو شویم. در این که دکتر طباطبایی یکی
از معدود نویسندگان و پژوهشگران کوشا و توانا در حوزه
تاریخ تحولات اندیشه سیاسی در ایران است. به تردیدی
وجود ندارد و وجود پارامتر دستاوردهای علمی و تحقیقاتی
سودمند در این کتاب را هم نمی‌توان نادیده گرفته. اما فکر
می‌کنم و به نظر می‌رسد در توانایی و کلرایی کتاب «مکتب
تبریز و میانی تجددخواهی» برای تحقیق امید و توقمی که
ادعای طباطبایی در سراسر این کتاب در جهت ارائه یک
تحقیق جدید و جدی و بر می‌انگیزاند، تردیدهای اساسی
وجود دارد. بی‌هیچ تعارفی باید گفت کتاب «مکتب تبریز

مکتب تبریز و میانی تجددخواهی سید جواد طباطبایی ستوده ۱۳۸۵

مبانی تجددخواهی» که به عنوان بخشی نخست جلد دوم
تاملی درباره ایران باید و می‌توانست منعکس‌کننده تکامل
دیدگاه‌های طباطبایی در آثار پیش‌بین‌ش در این حوزه
باشد، بیشتر تکرار آرای پیشین به اضافه برخی مباحث نه
چندان جدی است که سرمایه علمی چندان درخشانی را
ارائه نمی‌کند. طباطبایی در حالی که صفحات فراوانی از
این کتاب را به از گویی‌ها و روایت‌های غالباً نه چندان
سودمند از متون مکتوبی تاریخی، سیاست‌نامه ابراهیم
بیگ، خاطرات امین‌الدوله، خاطرات حاج سیاح و تجربه‌های
نو در زبان فارسی و نمایشنامه‌های میرزا آقا تبریزی سیاه
کرده است، اما رساله‌های مهمی چون «دمستورالاعتاب» که
در انتقاد سیاسی و «تاریخ دخلیه» که در ترفی تجدد فراهم
آمدند را مورد غفلت قرار داده است. از زبانی و نتیجه‌گیری
طباطبایی از مجددملک، سیتکی و رساله جدید او، نیز
میرزا علی خان امین‌الدوله و خاطرات او با میان‌های فراوان
که خالی از برخی ساده‌اندیشی‌ها و خیال‌پردازی‌هاست
همراه شده و خاطرات امین‌الدوله «یکی از نمونه‌های جالب
توجه نظریه‌پردازی درباره حال و اسباب انحطاط ایران»
تلفی و معرفی شده است (ص ۴۹۳). و باز برخاسته از همین
مباحثه و خیال‌پردازی‌هاست که مجددملک و امین‌الدوله به
لحاظ سهم آنان در تحول اندیشه سیاسی در جایگاهی برتر
از آخوندزاده و مستشارالدوله و ملوک‌خان نشسته شده‌اند.
طباطبایی با تفاسیر خود از نوشته‌های مجددملک، ادعا
کرده است که «حتی می‌توان گفت که به لحاظ تدوین
نظریه‌های منجم» (مجددملک) بر تری‌هایی نسبت به برخی
از روشنفکران» و به نظر ما (طباطبایی) نسبت به همه آنان
دارد» (ص ۳۹۰).

مباحث و دیدگاه‌های میان‌های سید جواد طباطبایی درباره نقش
دارالسلطنه تبریز در تلفات به گسست سنت قدمایی
از ضرورت‌ها و نیازهای جدید جامعه ایران و درک الزامات
جدید و اهتمام در راه تجددخواهی از یک سو، و تقلیل نقش
روشنفکرانی چون آخوندزاده و ملوک‌خان از سوی دیگر،
جای تردید و تأمل دارد. طباطبایی در پی‌آمدهای تحلیل‌ها
و آرزوهای‌ها و نتیجه‌گیری‌های خود در کتاب «مکتب تبریز
و میانی تجددخواهی» دچار شناسایی‌ها و سرگردشگی‌ها
و تناقض‌های ناشی از آن است. بنابر زبانی‌ها شده است. این که
طباطبایی جریان روشنفکری ایران در عصر قاجاریه را یکسره
مقلد غرب دانسته و آن را بر بنیادهای اندیشه سنتی می‌داند
هر چند پیرامانی از واقعیت دارد، اما همه واقعیت را منعکس
نمی‌کند. برخلاف یک سوت‌نگری و مطلق‌اندیشی طباطبایی
درباره روشنفکران عصر قاجاریه و مشروطیت، آنان هر یک با
درجات متفاوتی هم حداقلی به برخی از وجوه سنت آشنا بوده
و هم الزامات دوران جدید هر چند طباطبایی درباره اندیشه
تجددخواهی روشنفکرانی چون آخوندزاده، ملوک‌خان،
میرزا آقاخان کرمانی و طالبوف معتقد است که اندیشه‌های
سیاسی آنان «از دیدگاه تاریخ اندیشه در ایران اهمیت
چندانی نداشت» (ص ۱۲۶). به شیوای متناقض، ناگزیر از
اعتراف شده است که آخوندزاده «از دیدگاه تاریخ اندیشه در
ایران دارای اهمیت است» (ص ۳۶۹).

تناقض‌های طباطبایی درباره روشنفکران عصر قاجاریه
موارد متعددی را شامل شده است. به نمونه طباطبایی در جایی
نوشته است: «از خواندن برخی از نوشته‌های ادبی آخوندزاده
می‌توان دریافت که آشنایی او با سنت قدمایی برای دست
زدن به تجربه‌های نو در ادب فارسی و ایجاد تحول در شیوه
نوشتن کافی نبوده» (ص ۳۵۵). در حالی که در جایی دیگر
معتقد است: «کوشش‌های ادبی آخوندزاده همه تنها به عنوان
انقلاب ادبی، بلکه از دیدگاه تاریخ اندیشه در ایران نیز دارای
اهمیت است» (ص ۳۶۹). یا در حالی که از یکسو آشنایی او با
تجدد را سطحی و بسیار کم‌اهمیت تلفی و معرفی می‌کند
از سوی دیگر می‌نویسد: «آشنایی او (آخوندزاده) با مبانی
اندیشه جدید غربی اگر چه تنها از مجرای زبان و نوشته‌های
روسی بود، اما به نظر می‌رسد که ذهن دقیق و فکر روشن او
موجب شده است تا به درک برخی از پیچیدگی‌های اندیشه
جدید دست یابد که همتایان او به رغم دسترس‌ساز مستقیم
به منابع نتوانستند به‌یاد آورند. این مرتبه از آگاهی از مرشد
فرهنگ غربی در حد پیدا کننده» (ص ۳۵۷). البته به انصاف
باید گفت نمی‌توان این گفته طباطبایی را درباره کتاب

«مکتب تبریز و میانی تجددخواهی» از نظر دور داشت که
این نکته را باید به صراحت هر چه تمام‌تر بگوییم و بر آن
تأکید کنیم که چنین بحثی بیش از آن مقدمه‌ای و ابتدایی
است که بتوان انتقارات زیادی از آن داشت. «روزنامه شرق»
شماره ۷۵۶، ۲۰ دی‌ماه ۱۳۸۵، و من نیز ضمن تأیید
سخن طباطبایی در این باره فکر می‌کنم و به نظر می‌رسد که
یکی از ضعف‌های دکتر طباطبایی در این کتاب و یا در جرات
متفاوتی در دیگر آثار تاکنون منتشر شده‌اش از کم‌آگاهی
او درباره تاریخ روسیه گرفته است. لذا می‌توان و باید گفت
این اظهار طباطبایی که «هن (طباطبایی) البته تاریخ‌نویس
به معنای دقیق نیستیم و بسیار کم تاریخ می‌دانیم» (روزنامه
شرق، شماره ۷۵۶، ۲۰ دی‌ماه ۱۳۸۵)، ادعای من در
واقعیّت کم‌آگاهی او از تاریخ را تأیید می‌کند. ضعیف‌ها و
ایرادات کتاب «مکتب تبریز و میانی تجددخواهی» محدود
به آن چه که به اختصار اشاراتی رفت نیست.

دقت در متن کتاب، از این واقعیت خبر می‌دهد که از
۱۷۵ منبعی که طباطبایی مورد استفاده قرار داده و از آنها
در این کتاب یاد و معرفی کرده است، حداقل ۷۵ منبع از
منابع معرفی شده، اصلاً و به هیچ روی استفاده نشده و
از آن‌ها نقل قول یا به آن‌ها استناد و ارجاع نشده است. از
این جمله کتاب‌های «مبانی نظری حکومت مشروطه و
مشروطه» و «تاریخ جنبش ملی ایران» از ح.ح.ح.ح.
آبادیان؛ «مکتوبات» از میرزا فتحعلی آخوندزاده؛ «ایا
مرگ یا تاج عدل» از ملاشاه آجودانی؛ «فکر دموکراسی
اجتماعی در نفث مشروطیت»؛ «فکر آزادی و مقدمه
نهضت مشروطیت»؛ «تاریخ ترقی و حکومت قانون»؛
«تاریخ‌های میرزا آقاخان کرمانی»؛ «تاریخ‌های میرزا
فتحعلی آخوندزاده» و «تاریخ‌های طالبوف تبریزی» از
فریدون آدمیت؛ «فکر اجتماعی و سیاسی اقتصادی در
آثار منتد بر شده دوران قاجار» از فریدون آدمیت و هما
ناظمی؛ «سیاحت شرقی» از آقاخان کرمانی؛ «اتحاد اسلام»
از ابوالحسن میرزا قاجار؛ «خطرات احتشام السلطنه»؛
«مقالات جمالیه» از سیدجمال‌الدین امین‌آبادی؛ «تالیس
التقوی» اثر سیدجمال‌الدین و انحطاط اصغرانی؛ «زندگی
و اندیشه میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله» از حبیب‌الله اصلب؛
«تاریخ رجال ایران» از مهدی باسناد؛ «افضل‌التواریخ» از
میرزا غلامحسین خان افضل‌الملک؛ «تغیلات مشروطیت
ایران» از آنداره براون؛ «سفرنامه پولاک»؛ «خطرات تاج
السلطنه»؛ «سفرنامه حاجی»؛ «سفرنامه»؛ «تاریخ رجال
قاجار» از جورج چرچیل؛ «تشیخ و مشروطیت در ایران»
و «نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه
تمدن، جوروازی غرب» از عبدالهادی حلاوی؛ «حیات
یحیی» از یحیی دولت‌آبادی؛ «مخزن الانشاه» از محمد
صادق ح.ح.ح.ح. «سفرنامه ایران و روسیه» از عبدالصمد
میرزا عزادار؛ «گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران»
از محمد امین رسول‌زاده؛ «حق‌اندازی» از عبدالحمید
زرین‌کوب؛ «دست‌پنهان سیاست انگلیس در ایران»؛ از
خان ملک سامانی؛ «رجال دوره قاجار» از حسین سعادت
نوری؛ «واقعات اتفاقیه در روزگار» از محمد مهدی شریف
کاشانی؛ «یکصد سند تاریخی» و «پنج‌نامه» به تاریخ
دوران قاجار» از ابراهیم صفایی؛ «ایران و قضیه ایران» از
چرچ کروز؛ «خطرات و خطرات» از مهدی قلی‌خان
هدایت‌مخبر السلطنه؛ «سه سلوات در ارمنستان و ایران» از
آمنه زویر؛ «حقوق دول» از محمد رفیع طباطبایی؛ «حقانیه
سیاح ایرانی با شخص هندی» از میرزا سیدحسن کاشانی؛
«شرح ملامت آجودانی» از عبدالفتاح گرمودی؛
«منتخب‌التواریخ» از میرزا ابراهیم شبلی؛ «زاهد نجات» از
مرتضی قلی‌خان شیخ‌الدوله؛ «سفرنامه ایران» از مورس
دو کوتر؛ «بومه»؛ «سلک الامام فی سلاطه الاسلام» از شیخ
سیدخله صفایی؛ «چهار نامه محسن‌خان مشیرالدوله»؛
«رجال آذربایجان در عصر مشروطیت» از مهدی مجتهدی؛
«زندگانی میرزا آقاخان کرمانی» از ح.ح.ح.ح. «سفرنامه
ش.چکاکو» از میرزا محمد علی معین‌السلطنه؛ «دین و دولت
در عصر مشروطیت» از باقر موسوی؛ «جامع‌الاشعرات» از میرزا
ابوالقاسم قمی؛ «زندگانی نامة حاج محمدحسن کمپانی»؛ «امین
دارالضرب» از شیرین مهدوی؛ «از ماست که بر ماست» و
«مصیبت و بوابلی حکومت» از هساناظمی؛ «تاریخ پیداری
ایرانیان» از محمد ناظم‌الاسلام کرمانی؛ «تنبیه‌الامه و تنزیه
الماله» از علامه محمدحسین نائینی؛ «فرشته نورانی»؛ «یک
کنسه» از میرزا یوسفخان منکرالدوله؛ «رساله سیاست» از
میرزا صادق وقایع‌نگار؛ و ما!

کتاب‌های
تجددخواهی